

## فشردهء سخنرانی محمد سالم سپارتک

### در کنفرانس سراسری «نهضت آینده افغانستان»

مورخ ۱۵ جنوری ۲۰۰۵

رفقای عزیز،

کنفرانس امروزی ما مسایل بسیار جدی را در پیش دارد و چون تمام شما رفقای ارجمند پس از سفر طولانی و تا حدودی خسته کننده به جلسه رسیده اید، در آغاز به همهء شما عزیزان شاد باش گفته می افزایم که خسته نباشید و به کنفرانس خو ما باید پس از جمع آوری پیشنهادات رفقا، شورای مرکزی ما یا کنگرهء حزب تصمیم بگیرد. در نظر است نظریات انتقادی و ابتکاری رفقا جمع بندی شود و به شورای مرکزی و یا کنگره از جانب مدیر مسؤول ارایه گردد.

اینجانب بیانیهء مختصر خود را در ۱۱ بخش، با ارایهء برخی حقایق که ممکن شما از آن مطلع نباشید، تا حدودی به سبک شوخی آمیز تنظیم کرده ام. بنا بر این برای رفع خسته گی، خود را آزاد بدانید که در جریان بیانیه تبصره کنید، به من تذکر بدهید و یا خنده و اعتراض نمایید!

۱- شاید همه گی خبر نداشته باشید، که در جلسهء اساسگزار نهضت «آینده» که در حدود پنج سال پیش یعنی به تاریخ ۱۵ اپریل سال ۲۰۰۰ بر پا شده بود، تنها ۸ تن از رفقا تصمیم به بنیاد گذاری نهضت و نشریهء «آینده» گرفتند. در آن جلسه ۵ تن دیگر نیز اشتراک کرده بودند که جلسه را پیش از ختم کار آن، ترک گفتند و راه شان از راه ما جدا شد. یکی از افرادی که جلسه را ترک میگفت، با صدای بلند و اعتراض آمیز اظهار کرد که:

«با این اهداف بلند بالا و این شمار اندک شرکت کننده در جلسه، شما نه سازمانی ساخته میتوانید و نه هم تا ۲ سال دیگر، کار نشریه را رو به راه خواهید ساخت.»

به هر حال، ایمان ۸ تن باقیمانده به از سر گیری مبارزهء دادخواهانه و دموکراتیک آن قدر قوی بود که در همان جلسه بین خود انتخابات و تقسیم

وظایف کردند و وظیفه آسان مدیریت مسؤل نشریه سازمان را به دوش اینجانب گذاشتند.

«آسان بار امانت نتوانست کشید،

قرعه کار به نام من دیوانه زدند!»

دیوانه گی در این نهفته بود که نخستین شماره نشریه «آینده» نه بعد از گذشت دو سال، بلکه صرف ۴۰ روز بعد از جلسه اساسگذار به تاریخ ۲۴ می سال ۲۰۰۰ از مطبوعه خارج شد و کار آسان توزیع آن آغاز گردید. آسان به این دلیل که نشریه در آن زمان تنها ۸ نفر مشترک داشت (!).

اما تیراژ نشریه ۵۰۰ نسخه بود و کار جلب مشترکین بیشتر و رسانیدن نشریه به دست همزمان قدیم و جدید و مشترکین بالقوه، کاری بود، بسیار دشوار! در این کار عظیم رفقای سازمان کوچک ۷ نفری ما نقش ارزنده شان را بازی کردند. معذرت میخواهم، تا کنون از سازمان ۸ نفری حرف میزدیم و حالا ۷ نفری گفتم، دلیل اینست که به زودی معلوم شد که یک تن از آن ۸ رفیق، با ما قطع رابطه کرد و «سازمان بزرگ» ۸ نفری ما به «سازمان کوچک» ۷ نفری تبدیل شد (!)

در آن زمان مصارف نشریه از اعانه های همین ۷ رفیق تمویل میشد. هدف از یاد آوری مختصر از آغاز کار «نهضت آینده» و شمار اندک شرکت کننده گان جلسه و امکانات محدود ما در آن زمان این است که میخواهم تأکید کنم که کارهای بزرگ با گامهای کوچک آغاز میشوند. به همین ترتیب ممکن به نظر برخی ها کنفرانس امروزی ما قابل اهمیت زیاد نباشد، اما اجلاس امروزی ما گام کوچک ولی مهم دیگری است در جهت یک کار بزرگ یعنی ایجاد یک حزب نیرومند که صادقانه از منافع زحمتکشان افغانستان دفاع نماید. حالا ما از کار گروه کوچک (۸ نفر) اساس گذار «نهضت آینده» قدردانی میکنیم، در سالهای بعدی امیدوارم که کار شرکت کننده گان کنفرانس کنونی نیز مورد ارزیابی عادلانه قرار گرفته و افتخار لازم نصیب شرکت کننده گان کنفرانس گردد.

۲- تیراژ نشریه «آینده» تا شماره ۵ همان ۵۰۰ نسخه بود. سر از شماره ۶، تیراژ نشریه تا ۱۰۰۰ نسخه بالا رفت. تیراژ کنونی نشریه نیز ۱۰۰۰ نسخه است. و تعداد مشترکین در حدود ۲۰۰ است. یعنی در حدود ۸۰ فیصد تیراژ به طور مجانی برای جلب همزمان و مشترکین جدید توزیع میشود که مصارف سببیدی آن به دوش رفقای عضو سازمان است.

افتخار به رفقای سازمان که تا حال مصارف نشریه را با اعانه های خود سببیدی کرده اند(!)  
برخی از رفقا هر بار در حدود ۱۰۰ یورو و یکی از رفقا یک بار ۵۰۰ یورو برای سببیدی نشریه  
اعانه پرداخته است.

پیشنهاد اینجانب به کنفرانس ما اینست که منبعت شعبه مالی سازمان، حد اقل اعانه اعضا را  
با در نظر داشت مصارف نشریه و تعداد کنونی اعضای سازمان ما که ده ها بار بیشتر از ۸ نفر  
آغازین است، تعیین کند و هر عضو سازمان بنا بر همین سنجش اعانه پردازد. مشخص تر  
پیشنهاد دارم که هر عضو سازمان که یک عضو جدید را جذب میکند، در مقدار اعانه اش ۵۰  
فیصد تخفیف صورت گیرد و به هر عضو سازمان که یک مشترک جدید به نشریه جذب  
میکند، یک نسخه اضافی ارسال شود.

تا کنون به بسیاری از اعضای سازمان و به بسیاری از مشترکین، بیشتر از یک نسخه هر  
شماره نشریه ارسال شده است. هدف این بوده است تا نشریه به شمار هر چه بیشتر عناصر  
چپ توزیع شود.

اما با تأسف که یک تعداد از خواننده گان به اصطلاح «دایمی» نشریه عادت کرده اند که نشریه  
را به طور مجانی به دست آرند. باید به این شیوه کار خاتمه داد. هر عنصر مترقی که علاقه  
مند خواندن نشریه «آینده» است، باید یا اشتراک کند و یا هنگام دریافت نشریه، پول آن  
شماره را پردازد و رفقای که نشریه را به دوستان تقدیم می کنند، شرم نداشته باشند که  
پول تکفروشی را از آنها مطالبه کنند و به نشریه انتقال بدهند.

۳- تا کنون نشریه «آینده» به تمام قاره ها طور شاید و باید راه نیافته است. شمار اندک  
نشریه به کشورهای همجوار افغانستان و به داخل کشور فرستاده میشود که جریان آن  
بسیار منظم نیست. وظیفه جدی ما پخش «آینده» در داخل کشور میباشد. یکی از  
وظایف عمده شورای مرکزی ما همانا سازماندهی، تکثیر و پخش وسیع نشریه در داخل  
کشور خواهد بود.

۴- تا کنون نه خواستیم نشریه «آینده» را از طریق انترنیت پخش کنیم. به نظر اینجانب باید  
سازمان ما، به خصوص بعد از تدویر کنگره «حزب مردم افغانستان»، دارای سایت انترنیت  
شود و از این طریق نیز محتویات و تحلیلهای آن در دسترس علاقه مندان قرار داده شود.

۵- شیوه توضیح مطالب در نشریه «آینده» مطابقت با شیوه و سطح توضیح همچو مطالب  
در مطبوعات بین المللی دارد، اما تجربه ثابت ساخته است که درک دقیق همه مطالب که

به این سطح نوشته میشوند، برای برخی از خواننده گان دشوار است. برای توضیح ناچار باید موضوع را کاوید و به تفصیل بیشتر پرداخت. پیشنهاد میشود که کوشش کنیم که از شیوه های دیگر توضیح مطالب مانند مصاحبه، «گذارش از جلسات گفت و شنود»، طنز و ژانر های دیگر مطبوعاتی استفادهء بیشتر صورت گیرد.

۶- پس از ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ برخی سازمانهای گویا چپ و «چپ نما» سمارق وار به وجود آمده اند (شرکت کننده گان کنفرانس، خنده و هلهله کردند) که در صفوف آنها برخی از بازمانده های چپ دیروزی عضویت دارند. مهمترین خصوصیت بسیاری از این سازمانها همانا عدم صداقت لیدران و کدرهای دست اول آنها میباشد.

رفیق نبی شوریده، رهبران این سازمانها را «مرتجعین جدید» و کدر های دست اول آنها را به نام «خرد گم کرده گان سُست اعتقاد به منافع زحمتکشان» نامیده و افزوده که آنها با لفاظی های میان تهی و وعده های کاذب، محیلانه میگویند:

«ما به جهانبینی علمی باور داریم اما از آن نام نمی گیریم، ما به منافع زحمتکشان و کارگران معتقدیم ولی از آن حرف نمیزنیم، ما اشغالگران، ارتجاع و امپریالیزم را میشناسیم ولی از آنها اسم نمی بریم، به ارتجاع مذهبی علاقه نداریم ولی به ملحوظ سیاسی اسلام اسلام میگوییم».

خود قضاوت کنید که صداقت کجا شد؟

مشورهء ما به صفوف پاک این سازمانها چنین است:

تا به کی فریب این یا آن رهبروارهء کم دل یا «کمونیست شرمندوک» را میخورید؟ آیا خبر ندارید که:

«زنده گی دریای سر شوریده بیست

تند خوی و تلخ کام و سنگ دل

هر که باکش نیست، دریا رام اوست

بی دلان را پای میماند به گل»

۷- برخی از هم‌زمان قدیم ما چنین فکر میکنند که منظور از ایجاد یک سازمان چپ عبارت از بزرگداشت یا تجلیل و قدردانی از- و یا تخریب از میراث مبارزاتی یکی از رهبران فقید کدام سازمان دیروزی است.

بدون اینکه در اینجا به تفصیل موضوع پرداخته شود، همین کفایت میکند، اگر یاد آوری شود که چون جنبش چپ افغانی مواجه به شکست شده است، پُر حرفی از میراث به اصطلاح مثبت مبارزاتی رهبران فقید این جنبش، کاریست بی مسؤولیت و غیر علمی.

در گذشته برخی از رفقای دیروزی- بنا بر خصلت جامعه سنتی افغانی و عوامل دیگر- به هوادار بودن به یکی از رهبران فقید می بالیدند که درباره این شیوه تفکر و این شیوه برخورد گذشته نیز باید برخورد نقاد صورت گیرد.

اگر قرار باشد رنگی را برای قضاوت از کارنامه های رهبران فقید جنبش چپ انتخاب کنیم، رنگ «سفید» و یا رنگ «سیاه» را نمی توانیم برگزینیم. کارنامه های رهبران فقید چپ، نه سفید سفید خواهد بود و نه سیاه سیاه، یعنی باید هم جهات مثبت و هم منفی فعالیت آنها مورد قضاوت تاریخی قرار گیرند و تا زمانی که قضاوت تاریخ صادر نشده است، بازمانده های چپ دیروزی باید از زیر سایه رهبران فقید جنبش دیروزی بیرون آیند، در غیر آن برخی سازمانها نه به خاطر منافع زحمتکشان، بلکه به خاطر تجلیل از این یا آن رهبر فقید و یا صرف به خاطر تخریب کدام رهبر فقید دیگر فعالیت خواهند کرد.

آیا چنین سازمانها را میتوان مترقی و دادخواهانه خواند؟

۸- حزب جدید ما خصلت عمیق انتراتیکی میداشته باشد. در حزب جدید جایی برای ناسیونالیسم و شوونیسم (تفوق طلبی) قومی، زبانی و ... وجود نمیداشته باشد.

حزب جدید بزرگ چپ افغانستان از منافع زحمتکشان مربوط به تمام گروه های اتنیکی زبانی و مذهبی دفاع مساویانه خواهد کرد. در کشور ما از دیدگاه اتنیکی برادر کوچک و برادر بزرگ وجود ندارد. کسانی که با این مشی حزب جدید موافق نیستند و طرفدار شوونیسم (تفوق طلبی) قومی، زبانی یا مذهبی میباشند، از همین لحظه باید بدانند که راه شان با راه ما جدا میباشد.

۹- در گذشته سازمانهای چپ کشور یا پیرو «ماسکو» بودند یا پیرو «پکن». حزب جدید چپی را که ما ایجاد میکنیم، پیرو هیچ یک از به اصطلاح مراکز «قبلی» و یا «کنونی» جنبش چپ جهانی یا منطقه یی نیست و نخواهد بود.

در گذشته یک بخش از جنبش چپ کشور پیرو ایدئالوژی رسمی شوروی یعنی مارکسیزم-لنینیسم و بخش دیگر پیرو رسمی چین یعنی ماوویزم بود. حزب جدید چپ افغانی را که ما ایجاد میکنیم، دارای ایدئالوژی به معنای معلول آن نیست، اما «جهانبینی علمی» دارد و همه مسایل را در ترازوی مارکسیزم نقاد می‌سنجد.

۱۰- خلقهای کشور های همسایه با خلقهای افغانستان پیوند عمیق تاریخی، فرهنگی، زبانی و غیره دارند. ما با خلقهای کشور های همجوار دوست هستیم و همیشه خواهیم بود. اما در باره محافل حاکمه کشور های دیگر منجمله کشور های همسایه، قضاوت ما چنین است:

هیچ حکومت خارجی دوست دایمی مردم افغانستان نیست!

حکومت‌های این کشورها ادعا میکنند که در افغانستان منافع دارند (منافع مشروع و غیر مشروع). در باره منافع مشروع ما در سایر کشورها و منافع مشروع آنها در کشور ما، میتوان بحث کرد و به نتایج لازم رسید. اما یک اصل واضح است: ما با خلقهای همه کشورها و سازمانهای دادخواهانه آنها همبسته‌گی داریم، نه با حکومت آنها.

۱۱- شخصاً از تمام کار های خود راضی نیستم. طور مثال نتوانسته‌ام از صحت مدیر مسؤول تان طور شاید و باید مواظبت کنم؛ چنانچه گاهی به یک تکلیف و گاهی به تکلیف دیگری مبتلا میشود و در نتیجه یگان بار در کار نشریه نیز سخته‌گی وارد میشود. اما نیک میدانم که شما مدیر مسؤول تان را بسیار دوست دارید، به همین دلیل یعنی به پاس حرمت شما عزیزان وعده میدهم که منبعد در مواظبت از صحت این رفیق تان توجه بیشتری به خرج دهم (!)

[www.ayenda.org](http://www.ayenda.org)